

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۳.۰۶۱۰

جشن در قتلگاه و جهنم کارگران!

(بزرگترین جشن رهبر، احمدی نژاد و سپاه در عسلویه)

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور حکومت اسلامی، روز سه شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ در مراسم امضای شش فاز بزرگ پارس جنوبی در عسلویه، ادعا کرد: «این قرارداد بزرگ ترین قرارداد تاریخ صنعت نفت کشور است که هم اکنون با دستان توانمند ایرانیان اجراء می شود و این امر مهم از آرزوهای دیرینه ملت ایران است.» او، گفت: «به فضل خدا و با توانائی شرکت های ایرانی در مدت ۳۵ ماه همه این فازها به بهره برداری می رسد و فصل نوینی در صنعت نفت ایران رقم می خورد.»

احمدی نژاد، خاطرنشان کرد: «امروز شاهد پر افتخارترین رویداد تاریخ ایران زمین هستیم که نتیجه آن خوداتکائی، شجاعت و جسارت در انجام کارهای بزرگ است و این موفقیت ها و پیروزی ها باید تداوم یابد و به فضل خدا روز بروز شاهد پیروزی های بیش تری توسط ایرانیان هستیم.»

بر اساس گزارشات رسانه های حکومتی ایران، در سفر احمدی نژاد به عسلویه، قرارداد توسعه ۶ فاز پارس جنوبی معادل ۸ فاز استاندارد با کنسرسیوم های شرکت های ایرانی امضاء شد.

احمدی نژاد، هنگامی این سخنان را بر زبان می آورد و این قراردادهای را امضاء می کند که سراسر ایران را بحران سیاسی فراگرفته و علاوه بر این، تاثیر بحران های اقتصادی جهانی بر اقتصاد ایران، تصویب قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل، تصمیمات جدید اتحادیه اروپا، تحریم های اقتصادی یک جانبه کشور های چون امریکا، اسپانیا و استرالیا علیه ایران، بحران اقتصادی این کشور را به طور بی سابقه ای افزایش خواهند داد. بنابراین، اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران، به معنای واقعی کابوس بزرگی برای سران حکومت اسلامی است. اما آن ها با تزویر و ریا و تظاهر سعی می کنند به اصطلاح صورت خود را با سیلی سرخ نگاه دارند. همه شواهد نشان می دهد

که این وضعیت دوام زیادی نخواهد آورد و دیر و یا زود بحران اقتصادی و اوج گیری اعتصابات کارگری و راه-پیمائی های خیابانی حکومت اسلامی را به قعر باتلاق بحران سیاسی و اقتصادی فرو برده و خفه خواهد کرد.

حجت الاسلام علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در واکنش به برقراری تحریم ها علیه حکومت اسلامی، به ویژه سپاه گفت: «این موضوع که لبه تیغ تحریم دشمنان متوجه سپاه پاسداران است، موجب افتخار ما است.» وی اقدامات تنبیهی امریکا را «تضادآمیز» و «نشان از سردرگمی» در سیاست خارجی این کشور دانست.

سعیدی، درباره بازرسی کشتی های ایرانی به کشورهای غربی هشدار داد و گفت: «توصیه می کنم که کشورهای غربی برای حفظ امنیت خود وارد این بازی خطرناک نشوند.» به گفته سعیدی، کنترل کشتی های ایرانی «بازی را وارد مرحله تخصصی خواهد کرد، به طوری که ایران مجبور به مقابله به مثل خواهد شد.»

علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی در روز چهارشنبه ۲۶ خرداد در «همایش تهیه و کنترل رادیوداروها» اعلام کرد، که ایران با تجربه ۵۰ ساله خود در فن آوری هسته ای دارای ظرفیت های علمی بالائی است.

صالحی، ادعا کرد: «تصمیم ما بر این است که با راه اندازی رآکتورهای متعددی در شمال، جنوب شرق و غرب کشور برای تولید رادیوداروها، به فروش و صادرات این داروها به کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی که بسیار به آن ها نیازمندند و در مضیقه هستند کمک کنیم.»

صالحی، درباره محل ساخت این رآکتور جدید سخنی نگفت و پیرامون تأمین سوخت لازم برای این رآکتور پزشکی نیز سکوت کرد. اظهارات صالحی در حالی اعلام می شود، که ایران در حال حاضر برای تهیه سوخت رآکتور پژوهشی تهران با مشکلات عدیده ای مواجه است.

خانم کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که خواستار دیدار و گفتگو با سعید جلیلی، مذاکره کننده ارشد رژیم در پرونده اتمی شده بود، احمدی نژاد در پاسخ درخواست اشتون گفته است: «ما اهل گفتگو هستیم، شما بداخلاقی کردید و از اخلاق طاغوتی استفاده کردید، اما ما شرايطی داریم که شما ادب شوید و مثل بچه آدم با ملت ایران مذاکره کنید.»

هم چنین، لاریجانی، رئیس مجلس، از تریبون مجلس برای امریکا و کشورهای که به قطعنامه چهارم در شورای امنیت رأی مثبت دادند خط و نشان کشید و گفت: «به امریکا و برخی کشورهای ماجراجو هشدار می دهیم در صورتی که وسوسه بازرسی محمولات هواپیما و کشتی ایرانی را در سر داشته باشند، مطمئن باشند در خلیج فارس و دریای عمان به خدمت کشتی های آنان رسیدگی خواهد شد.»

حجت الاسلام سید محمود حسینی دولت آبادی، عضو کمیسیون آموزش مجلس، در حاشیه جلسه علنی در جمع خبرنگاران در واکنش به قطعنامه اخیر شورای امنیت و تحریم های اعمالی از سوی آن ها گفت: «آن ها از ۳ قطعنامه ای که پیش از این علیه ملت ایران صادر کرده بودند چه سودی بردند که در حال حاضر قطعنامه چهارم را صادر کردند؟»

او، تأکید کرد: «قطعا این قطعنامه و تحریم های اعمالی مبارک خواهد بود چرا که روحیه خودباوری و پیشرفت را برای ملت ایران به ارمغان خواهد آورد.»

او، افزود: «پیشنهاد جمعی از نمایندگان برای اعلام مقابله با این تحریم ها این است که در ایام اعتکاف ملت ایران ۳ روز روزه عبادی سیاسی گرفته و با این کار خود اعلام کنند که از تحریم ها هیچ باکی نداریم.»

محمود احمدی نژاد روز چهارشنبه ۲۶ خرداد [جوزا] ۸۹، در سومین سفر هیأت دولت به چهار محال و بختیاری، در مرکز این استان، شهرکرد سخن رانی کرد. سخنان احمدی نژاد در شهرکرد در واکنش به تصویب قطعنامه چهارم و سخنان اخیر اوباما است. او با اشاره به پیام یادشده گفت «اقدام رئیس جمهوری امریکا یک ماموریت به ماموریت های جهانی جمهوری اسلامی ایران اضافه کرد.»

به گزارش خبرگزاری ایرنا، احمدی نژاد در تشریح این «ماموریت جدید جهانی» خطاب به دولتمردان امریکا گفت «اقدامات شما ما را واداشت که اعلام کنیم از این پس از خواسته های اصلی ملت ایران، نجات مردم امریکا از حکومت غیردموکراتیک و زورگویی دولت امریکا خواهد بود.»

او، برای اطمینان مردم امریکا از اقدام جمهوری اسلامی برای آزاد کردن شان، تأکید کرد: «آن ها می دانند زمانی که ملت ایران موضوعی را اعلام کرد تا آخر پای آن ایستاده و تصمیم خود را محقق خواهد کرد.»

آیت الله احمد جنتی در خطبه اول نماز جمعه این هفته تهران، با اشاره به قطعنامه شورای امنیت و با «تقدیر از برخورد های بسیار قاطع احمدی نژاد»، گفت: «احمدی نژاد مردانه می ایستد و از موضع قدرت به آن ها (غربی ها) ریشخند زده و تحقیرشان می کند که این رفتارها در گذشته وجود نداشت، اما ای کاش وی مسأله حجاب را مطرح نکرده بود که مایه زحمت شود. احمدی نژاد کارهای سنگینی مانند هدفمند کردن و... را انجام داده است که امیدواریم خداوند به وی کمک کند.»

آیت الله جنتی، که استاد فکری احمدی نژاد به شمار می آید با بیان این که «مردم ما تحریم چشیده اند و از آن ترسی ندارند»، گفت: «قطعنامه ها برای ما زحمت درست می کنند اما موجب شکوفائی استعدادها می شود و پیشرفت های فنی ما به دنبال همین قطعنامه ها بود.» و «روسیاهی هم برای امریکا می ماند.»

لازم به یادآوری است که احمدی نژاد در یک گفتگویی باز هم با تروییر و ریا گفته بود در برخورد با بدحجابی، باید تغییراتی صورت گیرد.

این لحن سران و مقامات حکومت اسلامی، خارج از عرف و مناسبات بورژوازی در عرصه دیپلماتیک است. زبان دیپلماتیک در واقع به نوعی با پنبه سر بریدن است اما زبان سران و مقامات حکومت اسلامی، زبان تهدید و ترور، خرافی و عموماً زبان لمپنیسم سیاسی است که در فرهنگ سیاسی حکومت اسلامی عمومیت دارد.

تولیزیون حکومت اسلامی و دیگر رسانه های حکومتی با آب و تاب خبر و آگذاری شش قرارداد باقی مانده طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی در قالب چهار طرح، صبح روز سه شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ با حضور رئیس جمهور در میان «هلهله و شادی» در عسلویه استان بوشهر به امضاء رسید.

در مراسم امضای فازهای باقیمانده پارس جنوبی علاوه بر احمد نژاد، آیت الله غلامعلی صفائی بوشهری نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر، مسعود میرکاظمی وزیر نفت، احمد قلعه بانی مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، غلامعلی میگیلی نژاد نماینده بوشهر و عسکر جلالیان نماینده کنگان، دیر و جم در مجلس شورای اسلامی، ابوطالب شفقت استاندار بوشهر و جمعی از مدیران پارس جنوبی حضور داشتند.

عسلویه، زمانی شصت هزار کارگر را در خود جای داده بود از زمانی که به سپاه واگذار شده است رقم کارگران آن به هشت هزار نفر رسیده و پنجاه و دو هزار کارگر بی کار شده اند. بنابراین، می توان حدس زد که چرا واگذاری صنایع کشور به سپاه این بار در عسلویه با جشن و سرور انجام می گیرد. مثل معروفی است که می گویند جغد در خرابه ها لانه می کند اکنون احمدی نژاد و نمایندگان رهبر و فرماندهان سپاه نیز در ویران های عسلویه و قتل گاه و جهنم کارگران، غارت و چپاول اموال عمومی مردم را جشن می گیرند.

به گزارش رسانه های حکومتی، این قراردادها شامل فازهای ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ است که بین وزارت نفت، شرکت گسترش و نوسازی صنایع ایران، شرکت پتروپارس و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء امضاء شد. مراحل ۱۳ و ۱۴ به دو کنسرسیوم شامل ۶ شرکت ایرانی، مرحله ۱۹ به دو شرکت ایرانی و مراحل ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ به ۳ شرکت دیگر ایرانی واگذار شده است.

ارزش این قراردادها ۲۱ میلیارد دلار و زمان اجرای آن ۳۵ ماه است. گفته شده است با بهره برداری از آن ها روزانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز و ۳۲۰ هزار بشکه میعانات گازی جشن بزرگ به ظرفیت تولید پارس جنوبی افزوده می شود.

مجموع این قراردادها منجر به توسعه ۸ مرحله استاندارد میدان گازی پارس جنوبی می شود و مرحله ۱۹ به تنهایی معادل ۳ مرحله توسعه این میدان گازی است. با بهره برداری از ذخایر میدان گاز پارس جنوبی ۲۸ مرحله پالایشگاهی در منطقه عسلویه مستقر می شود.

تاکنون ده میدان با ظرفیت تولید روزانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز در مدار تولید قرار گرفته اند. ذخیره میدان عظیم گازی مشترک ایران و قطر در منطقه عسلویه در عمق آب های خلیج فارس ۱۴ میلیون تریلیون مترمکعب گاز برآورد می شود.

بدین ترتیب، قراردادهای توسعه شش فاز گازی میدان پارس جنوبی در مراسمی با حضور محمود احمدی نژاد به کنسرسیومی مرکب از وزارت نفت، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، شرکت دولتی پتروپارس و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء واگذار شد.

این قرارداد در حالی منعقد می شود که از جمله قرارگاه خاتم الانبیاء هفته گذشته هدف تحریم های جدید شورای امنیت قرار گرفته و اکنون نیز با تحریم های اقتصادی یک جانبه اتحادیه اروپا، امریکا، استرالیا و اسپانیا، روبرو شده است.

با این حال محمود احمدی نژاد، در سخنانی در مراسم امضای این قراردادها، این موضوع را آغاز فصلی تازه در صنعت نفت ایران خواند و تاکید کرد: «باور من این است ما می توانیم با سه برابر سرعت فعلی ایران را بسازیم و الگوهای خود را داشته باشیم».

در چهار سال نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد، رقمی در حدود ۳۷۰ میلیارد دلار از منبع فروش نفت خام در بازارهای جهانی، به صندوق دولت او وارد شده بود نه تنها هیچ بهبودی در عرصه کسب و کار پدید نیامد، بلکه گرانی و تورم و هم چنین بی کاری به طور روزافزونی بالا رفت؛ اکنون که حلقه محاصره ایران تنگ تر شده است احمدی نژاد، از سه برابر شدن سرعت سازندگی کشور سخن می گوید؟! دولت او که این همه قدرت دارد چرا مملکت را به این روز فلاکت باری دچار کرده است؟

شایان ذکر است که قرار بود قرارداد فازهای ۱۳ و ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی با شرکت های رویال داچ شل و شرکت اسپانیایی رپسول امضاء شود اما این شرکت ها به خاطر بحران سیاسی ایران و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، از سرمایه گذاری در این طرح ها خودداری کردند.

ماه گذشته سپاه پاسداران اعلام آمادگی کرده بود که در صورت انصراف شرکت های غربی در پروژه های نفت و گاز ایران جایگزین آن ها شود.

اعطای این قراردادها به کنسرسیومی با عضویت قرارگاه خاتم الانبیاء درست یک روز پس از آن صورت گرفت که وزیران خارجه اتحادیه اروپا به توافق رسیدند تحریم های بیش تری علاوه بر تحریم های شورای امنیت سازمان

ملل متحد علیه ایران وضع کنند که به ویژه بخش نفت و گاز و پالایشگاه های ایران را هدف قرار می دهد. در این توافق انتقال تکنولوژی، وسایل، و خدمات به ایران ممنوع اعلام شده است.

هم چنین اتحادیه اروپا، دولت های امریکا، اسپانیا و استرالیا نیز تاکنون از تصمیم خود برای اعمال تحریم های یک جانبه ای علیه ایران خبر داده اند که این تحریم ها از جمله شامل سر تپ «رستم قاسمی» فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء می شود.

رهبران اتحادیه اروپا روز پنج شنبه ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰ بر سر تحریم های بیش تر ایران در بروکسل به توافق رسیدند. رهبران ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در نشست روز پنج شنبه ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰ خود، به اتفاق آرا تصمیم گرفتند که با وضع مجازات های جدید، تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه حکومت اسلامی ایران را تشدید نمایند. مجازات هایی که فراتر از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل می روید.

در تحریم های شورای امنیت، بخش صنایع نفت و گاز و حمل و نقل تصریح نشده بود. در تحریم هایی که کلیات آن ها را اتحادیه اروپا بر علیه ایران تصویب کرده است، بخش صنعت نفت و گاز و انتقال فن آوری و کمک های فنی در این بخش و هم چنین حمل و نقل دریائی، هوائی و خدمات بانکداری و بیمه مدنظر گرفته شده اند. این مجموعه تحریم های جدید، می تواند اقتصاد ایران را تحت فشارهای بسیار زیاد قرار دهد و با گسترش تورم و گرانی و بی کاری ناشی از افزایش تعطیلی کارخانه ها، شرایط غیرقابل تحملی به ویژه برای کارگران و محرومان به وجود آورد.

به نظر می رسد مواد قطعنامه شورای امنیت ملایم تر در نظر گرفته شده بود تا روسیه و چین هم آن را بپذیرند از این رو، تنها یک هفته پس از تصویب این قطعنامه، علاوه بر ۲۷ کشور اتحادیه اروپا، دولت های امریکا، استرالیا و اسپانیا نیز تحریم های شدیدتر یک جانبه ای را در ارگان های قانون گذاری خود علیه ایران به تصویب رساندند. تحریم های مضاعف اتحادیه اروپا که در عرض چند هفته آینده به اجراء در می آید، بخش بازرگانی و از جمله کالاهائی که کاربرد دوگانه دارند را هدف قرار می دهد؛ بخش بانکداری، بیمه و ترابری ایران نیز از دیگر حوزه هایی است که اتحادیه اروپا قصد دارد بر آن ها تحریم اعمال کند. «سرمایه گذاری تازه، کمک فنی و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه ها به ویژه در بخش پالایش، مایع سازی و فناوری گاز مایع طبیعی» از موارد تحریم های اتحادیه اروپا در بخش انرژی ایران است.

سران اتحادیه اروپا، روز دوشنبه در بیانیه خود آورده اند: «اتحادیه اروپا عمیقاً متأسف است از این که ایران بسیاری از فرصت ها را که برای رفع نگرانی های جامعه جهانی درباره ماهیت برنامه هسته ای ایران، پیشنهاد شده بود، مغتنم ندانست.»

خزانه داری آمریکا نیز در چارچوب اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ایران، روز چهارشنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰، فرمانده سپاه و وزیر دفاع ایران را به همراه تعدادی از شرکت های نفتی، یک بانک دولتی و نیروی هوایی و فرماندهی موشکی سپاه در فهرست تحریم خود قرار داد.

تیموتی گایتنر، وزیر خزانه داری آمریکا، در نشست خبری در واشنگتن گفت: «تدابیر کنونی با این هدف صورت می گیرد که دیگر دولت ها و موسسات مالی خارجی از معامله با شرکت های ایرانی که در پی فعالیت های غیرقانونی هستند، منصرف شوند.» به گفته وزیر خزانه داری آمریکا، «پست بانک» نیز که برای «پشتیبانی از فعالیت های اتمی» در ایران تشکیل شده به فهرست موسسات تحریمی افزوده شده است. «پست بانک»، از جمله ۱۶ بانک تحریمی ایران به شمار می آید.

نیروی هوایی و فرماندهی موشکی سپاه پاسداران نیز به فهرست موسسات تحریمی امریکا افزوده شده است. به گفته مقامات امریکایی سپاه پاسداران و شرکت های وابسته به آن در ساخت و توسعه موشک های دوربرد و بالستیک نقشه موثر داشته و دارند. امریکا پیش تر نیز برخی ارگان ها و شرکت ها سپاه پاسداران را به خاطر پشتیبانی از تروریسم و برنامه هسته ای در فهرست نهادهای تحریمی گنجانده بود.

شرکت مهندسی نفت و گاز «سپانیر» و شرکت «راه ساحل» از مجموعه شرکت های وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه نیز به فهرست تحریم های جدید امریکا افزوده شده اند. ۲۲ شرکت ایرانی در عرصه فرآورده های نفتی، انرژی و بیمه نیز از جمله موسسات تحریمی به شمار می آیند.

وزارت خزانه داری دولت امریکا، هم چنین نام ۹۰ کشتی از خطوط کشتیرانی حکومت اسلامی را در «لیست سیاه» خود ذکر کرده است. دولت امریکا، از دیگر کشورهای جهان نیز خواسته که هم زمان با اقدامات واشنگتن دست به گسترش تحریم ها علیه حکومت اسلامی زنند.

سناتور جوزف لیبرمن، از اعضای ارشد سنای آمریکا، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرده است که بسته تحریم های کنگره، به ویژه سیستم مالی و هم چنین تامین کنندگان بنزین حکومت تهران را هدف قرار خواهد داد. این سناتور ارشد امریکایی گفت، تحریم هایی که در کنگره در دست تهیه است، هرگز به این گستردگی و قدرت نبوده و آخرین شانس قبل از رویارویی نظامی با رژیم تهران است.

شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، با صدور بیانیه ای قطعنامه چهارم شورای امنیت را «غیرقانونی» و «بی اعتبار» و بر خلاف نص صریح ماده ۳۹ منشور آژانس بین المللی انرژی دانسته است. این شورا هشدار داده که عمل این مجازات های غیرقانونی، اقدام قانونی و مقتضی متقابل جمهوری اسلامی را به دنبال خواهد داشت؟! چند روز پس از این وقایع، ژاپن و کره جنوبی هم به اردوگاه کشورهای پیوستند که علاوه بر قطعنامه تحریم شورای امنیت، خود تحریم های جداگانه ای را علیه ایران اعمال می کنند.

روزنامه واشنگتن پست نوشت، کره جنوبی و ژاپن نیز قصد دارند تحریم های مضاعفی را علیه ایران اعمال کنند اما هنوز معلوم نیست، خود تحریم های مستقلی را وضع و اعمال خواهند کرد یا این که از تحریم های مستقل و مضاعف استرالیا، امریکا و اتحادیه اروپا پیروی خواهند کرد. به نوشته این روزنامه، کشورهای دیگری نیز به این تحریم های خارج از چارچوب شورای امنیت نیز پیوسته اند که هنوز نام آن ها اعلام نشده است.

واشنگتن پست، می افزاید: تحریم های مضاعف و مستقل کشورهای مختلف علیه ایران، در راستای سیاست دولت امریکاست. براساس این شیوه، امریکا و هم پیمانانش، تصویب قطعنامه تحریم های سبک علیه تهران را در شورای امنیت می پذیرند ولی هر یک به تنهایی و جداگانه، تحریم های شدیدتری را علیه ایران اعمال می کنند.

احمد وحیدی، وزیر دفاع ایران، که نام وی در فهرست تحریم های جدید علیه حکومت اسلامی دیده می شود، قطعنامه جدید شورای امنیت علیه ایران را بی اثر توصیف کرد و افزود که این قطعنامه شکسته شدن «ابهت پوشالی» دولت های غربی را در پی دارد.

وحیدی که به پرسش های واحد مرکزی خبر، وابسته به رادیو و تلویزیون دولتی ایران، پاسخ می داد، ادعا کرد که «ایران در زمینه ساخت و تولید انبوه توپ، تانک، بالگرد و کشتی های جنگی خودکفاست و تحریم های اخیر

نشان دهنده تسلط نداشتن قدرت های استکباری و شورای امنیت به موضوعات و عمق کینه و سوء نیت آنان با ملت ایران است.»

پیش از این نیز جانشین فرماندهی سپاه پاسداران ایران نیز در واکنش به تحریم های جدید شورای امنیت سازمان ملل که از جمله سپاه پاسداران و شرکت های اقتصادی وابسته به این نهاد نظامی را هدف قرار داده است، گفته بود که سپاه نگران تشدید تحریم ها نیست.

سررتیپ پاسدار حسین سلامی، در تشریح موضع سپاه در قبال قطعنامه تازه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه حکومت اسلامی، گفته بود که «این دنیای بیرون است که از این تحریم ضرر می کند، بنابراین ما نگران تحریم ها نیستیم و اساسا حیات اقتصادی خود را بر اساس تعامل با قدرت های بزرگ طراحی نکرده ایم.»

علاوه بر وحیدی، نام های محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و محمدرضا نقدی، فرمانده سازمان بسیج و جواد کریمی ثابت، مدیر شرکت انرژی نوین، در فهرست تحریم های ایالات متحده قرار گرفته است.

سپاه پاسداران، یک نیروی مخوف سیاسی - نظامی است که بخش های مختلفی دارد و به ویژه ترور اعضای اپوزیسیون در خارج کشور، به عهده این سپاه بوده است. در داخل کشور نیز محافظت از مقامات دولتی و نگهبانی از دوایر دولتی، تهدید و تعقیب مخالفین حکومت و سرکوب اعتصابات کارگری و اعتراضات خیابانی و هم چنین در خارج کشور همکاری با گروه های مافیائی، تروریستی و قاچاق سلاح و مواد مخدر و صدها رقم اجناس مهم وارداتی را به عهده دارد. در دوره جنگ ایران و عراق ده ها اسکله مخفی ساخته شده بود که برای ورود کالاهای قاچاق و به ویژه سلاح استفاد هیم شد پس از پایان جنگ، این اسکله ها هم چنان در اختیار سپاه باقی ماند تا به صادرات و واردات خود بدون هیچ گونه کنترل گمرکی ادامه دهد. هم چنین فرودگاه خمینی نیز در اختیار سپاه پاسداران است. سپاه، گروه های تروریستی را در داخل ایران آموزش می دهد و در کشورهای مختلف به ویژه در آسیا و آفریقا کمک های مادی و معنوی به آن ها می رساند. سپاه علاوه بر کشورهای دیگر، به ویژه در سوریه، لبنان و فلسطین فعال است.

قرارگاه خاتم الانبیاء که از آن به عنوان بازوی اقتصادی و صنعتی سپاه پاسداران نام برده می شود، در طول سال های جنگ هشت ساله ایران و عراق، یعنی در دوره ای که میرجسین موسوی نخست وزیر و علی خامنه ای رئیس جمهور بود تاسیس شد و پس از جنگ به بخش های مهندسی مکانیک، انرژی، ساختمان سازی، معدن، دفاعی و غیره گسترش پیدا کرد.

ایران دومین دارنده مخازن گاز طبیعی در دنیا است و میدان گازی پارس جنوبی با ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به تنهایی ۸ درصد کل گاز دنیا را در خود دارد اما به دلیل مشکل سرمایه گذاری و فنی ایران در بهره برداری از این میدان گازی با موانعی مواجه است.

قطر بهره برداری از منابع پارس جنوبی را در سال ۱۹۹۰ آغاز کرد، حال آن که در بخش ایرانی منابع پارس جنوبی، اولین فاز گازی در سال ۲۰۰۱ به بهره برداری رسید و به اذعان مقام های حکومت اسلامی، ایران هم اکنون در اجرای طرح های توسعه گاز و در نتیجه بهره برداری از ذخایر مشترک پارس جنوبی حداقل ۱۱ سال از قطر عقب مانده است.

شرکت ملی نفت ایران وظیفه تأمین مالی این طرح ها را به عهده دارد. بنابراین، باز هم هزینه های توسعه میدان گازی پارس جنوبی قرار است از خزانه دولت تأمین شود در حالی که مالک اصلی آن سپاه است؟!!

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، ۱۳۸۹/۰۳/۲۸ در رابطه با سرمایه- گذاری در صنایع نفت و گاز و هم چنین درآمد ایارن از منبع فروش نفت نوشت:

«... بررسی تحولات ۱۳ سال گذشته صنعت نفت نشان می‌دهد که از سال ۷۶ تا ۸۴ طرح توسعه ۱۵ میدان نفتی در دستور کار قرار گرفت و توسعه این میداين با سرمایه‌گذاری ۱۳/۸ میلیارد دلاری با مشارکت شرکت های بزرگ خارجی از سال ۱۳۷۷ شروع شد. با مقبولیتی که آن روزها در عرصه جهانی به دست آمده بود، شرکت هائی هم چون «شل»، «انی»، «اجیپ» و «توتال» بدون هیچ مشکلی در ایران فعالیت داشتند. توسعه میداين نفتی نیز تا سال ۸۴ از پیشرفت قابل قبولی برخوردار بود اما از سال ۸۵ اجرای این طرح ها با تاخیرهای زیادی همراه شد. این تاخیرها به گونه ای شد که برخی از طرح های مذکور -با چندین سال تاخیر- هنوز هم به سرانجام نرسیده است.

... در سال های ۷۶ تا ۸۴ در جذب سرمایه گذاران خارجی بسیار موفق عمل شد و طرح های بسیار خوبی در این خصوص به سرانجام رسید. از سوی دیگر، با سیاست تنش زدائی ایران از وجهه قابل قبولی در جهان برخوردار بود به طوری که طی دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ حدود ۱۷/۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری در زیرساخت ها و بخش تولید صنعت پتروشیمی به وجود آمد که ۷۱ درصد آن از تسهیلات خارجی و ۲۹ درصد آن از منابع داخلی استفاده شده بود. در همین مدت الفین نهم با سرمایه گذاری مشترک ساسول آفریقای جنوبی هم چنین مجتمع کارون با سرمایه گذاری مشترک و مستقیم کماتور سوئد و واحد پلی اتیلن ۳۰۰ هزار تنی لاله با سرمایه گذاری مستقیم شرکت ساییک عربستان اجرا شد. در واقع طی هشت سال ۱۱ طرح بزرگ با ظرفیت سه میلیون و ۱۲۸ هزار تن در سال و سرمایه گذاری ۲۰۷۶ میلیون دلار به بهره برداری رسید و ۲۸ طرح بزرگ پتروشیمی نیز با میانگین بیش از ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی تحویل دولت نهم شد.

از سال ۸۴ اما میزان سرمایه گذاری در این صنعت با افت فاحشی روبرو شد. میزان سرمایه گذاری در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳ با ۳۶ درصد کاهش به دو میلیارد و ۳۰۶ میلیون دلار رسید. در سال ۱۳۸۵، سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی رشد اندکی نسبت به دوره های قبل داشت و با ۱۱ درصد افزایش به دو میلیارد و ۵۷۵ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار رسید. در عین حال با این رشد ۱۱ درصدی میزان سرمایه گذاری در سال ۱۳۸۵، هم چنان ۲۵ درصد کم تر از سال ۱۳۸۴ بوده است. در سال ۱۳۸۶ نیز رشد سرمایه گذاری بسیار ناچیز بود به طوری که با ۰/۰۶ درصد رشد نسبت به سال قبل به دو میلیارد و ۷۲۹ میلیون دلار رسید. سال ۸۶ میزان سرمایه گذاری در بخش پتروشیمی تقریباً با سرمایه گذاری انجام شده در سال ۱۳۸۱ برابری می کند که جای سؤال دارد.

... درآمد نفت در هشت سال ۷۶ تا ۸۴ معادل ۱۷۲ میلیارد و ۵۸۴ میلیون دلار بوده است که این میزان با رشد قیمت جهانی نفت در سال های ۸۴ تا ۸۶ و در نهایت با ثبت رکوردی دست نیافتنی در سال ۸۷ به ۲۷۲ میلیارد و ۲۷۸ میلیون دلار رسید که نشان از رشد ۵۷/۷ درصدی درآمد نفتی ایران در چهار سال ۸۴ تا ۸۸ دارد.

امروز پس از گذشت ۱۲ سال از آغاز توسعه پارس جنوبی تنها ۱۰ فاز به بهره برداری رسیده و به گفته مسئولان، ایران ۱۱ سال از رقیب قطری خود عقب افتاده است. آمار و ارقام موجود نیز همه و همه نشان از ناکامی برنامه های اجرایی در این عرصه دارد. با این تفاسیر باید با مسئولین اقتصادی پرسید این فرضیه را در میان گذاشت که آیا بهتر نبود به جای وعده توسعه ۳۵ ماهه ۱۹ فاز باقی مانده پارس جنوبی، توان مالی و فنی موجود صرف اتمام پروژه های نیمه کاره می شد تا ۳۵ ماه بعد به دنبال چرائی عقب ماندگی بیش از پیش برداشت ایران از شریک قطری نباشیم؟

چشم -اندازهای اقتصادی ایران، تیره و تار است. بر اساس گزارشات تآکنونی، تولید نفت ایران در اثر تحریم های اقتصادی و عدم سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز دست کم ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه کاسته شده است. کارشناسان امور نفتی بر این باورند که از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵، تولید نفت ایران کاهش محسوسی داشته است. در آغاز ریاست جمهوری دور اول احمدی نژاد، تولید نفت ۴/۲ میلیون بشکه در روز بوده که در حال حاضر این میزان به ۳/۸ یا ۳/۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. مسعود میرکاظمی، وزیر نفت ایران، در پاسخ به نمایندگان مجلس ایران گفته است که دولت ایران باید سالانه ۲۵ میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز خود سرمایه گذاری کرده، در غیر این صورت خود به واردکننده نفت تبدیل خواهد شد.

تحریم های بین المللی علیه ایران از سرمایه گذاری کشور های غربی در صنعت نفت گاز ایران جلوگیری کرده است.

در اثر بحران سیاسی بزرگ سال گذشته و هم چنین تحریم های اقتصادی، هر چه بیش تر به فرار سرمایه ها سرعت گرفته است. ظرف یک سال گذشته، کنسرن های مهمی مثل انی- (ایتالیا)، توتال- (فرانسه)، رویال، داچ شل- (هلند و انگلستان)، پتروناس- (مالزی)، زیمنس- (آلمان)، کاترپیلار، تراویتورا، ویتول، گلنگول و ۱۵ شرکت خارجی بزرگ دیگر، از جمله هشت شرکت ترکیه ای یا همکاری خود را با حکومت اسلامی ایران قطع کردند و یا این که صریحا اعلام کردند در صورت درخواست دولت امریکا، به همکاری خود با ایران پایان خواهند داد. از سوی دیگر، قطع فروش بنزین از سوی «لوک اویل»، «ترافیگورا» و «ویتول»، سبب شده است که در یک سال گذشته، تأمین بنزین و سهمیه بندی آن (حذف سوبسیدهای دولتی)، به یکی از چالش های مهم دولت و مجلس تبدیل شود.

محمد نهاوندیان، رئیس اتاق بازرگانی ایران، هشدار داده است که ۵۰ درصد کل واحدهای تولیدی ایران ورشکسته و تعطیل شده اند و ۵۰ درصد باقی مانده تنها با ۳۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند. این به معنای افزایش سریع نرخ بی کاری در کشور است.

همین چند روز پیش روزنامه آرمان نوشته بود: طرح بنگاه های زودبازده، یکی از چند طرح کلیدی دولت در پنج سال اخیر بوده است. مطابق برخی آمارها تاکنون ۲۲۰ هزار میلیارد ریال اعتبار بانکی به این طرح اختصاص یافته است. اما هنوز نقش این بنگاه ها در افزایش تولید ناخالص داخلی ایران مشخص نیست. چند روز قبل هم رئیس سازمان بازرسی کشور از انحراف ۳۰ درصدی زودبازده ها- (انحراف ۶۶ هزار میلیارد ریالی منابع) خبر داد. رئیس مرکز نوسازی و بودجه وزارت کار هم روز گذشته در گفتگو با فارس با اشاره به عدم پرداخت اعتبارات یارانه ای به بنگاه های زودبازده از سال گذشته تاکنون، گفت: با توجه به عمر ۳ تا ۵ ساله این بنگاه ها در کشور در صورت عدم حمایت، ۳۰۰ هزار بنگاه موجود محکوم به فنا هستند. وی گفت: وظیفه کارگروه های اشتغال بررسی و معرفی طرح های اشتغال و طرح های بنگاه ها به بانک های عامل است که مدتی غیرفعال بود. وی گفت: طی سال های گذشته نزدیک به ۳۰۰ هزار بنگاه ایجاد شده که مربوط به دولت نهم است و عملا طی دو سال اخیر کار قابل توجهی رخ نداده است. وی گفت: آمار دقیقی از ریزش این بنگاه ها وجود ندارد و در صورت عدم رسیدگی به وضعیت بنگاه ها خطر ریزش ۹۵ درصدی بنگاه های زودبازده وجود دارد...

در حالی که بانک مرکزی خط فقر خانوار را ۷۸۰ هزار تومان برآورد کرده، مرکز آمار ۴۷ میلیون نفر را در قالب خانوار ۶ نفره دارای درآمد کم تر از ۷۸۰ هزار تومان اعلام کرد.

مطابق تازه ترین اعلام مرکز آمار ایران، ۴۷ میلیون ایرانی به طور سرانه روزانه کم-تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان درآمد دارند. این رقم نتیجه تازه-ترین اظهارات رییس مرکز آمار ایران است که گفته است: «درآمد خانواده شش نفری در خوشه يك، کم-تر از ۴۷۳ هزار تومان است. خانوار شش نفره-ای که درآمدش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است در خوشه دو قرار می-گیرد. در خوشه نخست حدود ۳۰ میلیون نفر قرار دارند. در خوشه دوم هم ۱۷ میلیون و ششصد هزار نفر قرار دارند.»

بدین ترتیب، درآمد روزانه حدود ۳۰ میلیون نفر کم-تر از ۲ هزار و ۶۰۰ تومان است و درآمد روزانه ۱۷ میلیون نفر دیگر روزانه کم تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان است. می-توان این-گونه نتیجه گرفت که ۴۷ میلیون و ۶۰۰ هزار ایرانی روزانه کم-تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان درآمد دارند. در این میان ۱۷ میلیون نفر حداکثر حق هزینه کرد ۲ هزار و ۶۰۰ تومان را دارند.

آخرین گزارشات از افزایش قیمت اجناس در بازار از جمله گوشت، حاکی از آن است که قیمت یک گوشت گوسفند در سطح شهر تهران، ۱۷ هزار و ۵۰۰ تا ۱۹ هزار تومان، گوشت شقه گوسفندی ۱۵ هزار تومان و گوشت چرخ کرده حدود ۸ هزار تومان به مصرف کنندگان عرضه شده و در برخی از مناطق شهر قیمت هر کیلو فیله و راسته گوسفندی نیز به حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان رسیده است. هم چنین هر کیلو گوشت گوساله مخلوط ۱۱ هزار تومان و هر کیلو گوشت گوساله بدون استخوان به قیمت ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان در فروشگاه های سطح شهر به مصرف کنندگان عرضه می شود.

در چنین شرایطی، بین دولت و مجلس بر سر یارانه ها که قرار است سوبسیدهای دولتی بر برخی از اجناس مورد نیاز جامعه حذف شود و به خانواده های نیازمند ماهیانه حدود ۱۶ هزار تومان پرداخت گردد. یعنی قیمت اجناس در بازار چندین برابر بالا خواهد رفت تا دولت ماهانه پول خرید یک کیلو گوشت با قیمت کنونی را به خانواده های ایرانی «اعطا» کند؟! به این می گویند: «دولت مهرورزی» که می خواهد پول نفت را به سر سفره های مردم بیاورد؟!!

بدین ترتیب، در جامعه زخم حورده ما، هیچ چیزی و هیچ کسی سر جایش نیست و هم چیز آن چنان به هم ریخته است که انگار زلزله آمده است. آزادی بیان و قلم و اندیشه و فعالیت سیاسی و اجتماعی مستقل از حکومت، اکیدا ممنوع است و جرم بزرگی محسوب می-شود و حتا خطر اعدام در پی دارد. در حالی که روزنامه-نگاران به بند کشیده می-شوند سرداران سابق سپاه روزنامه-نگار و محقق و سیاست-مدار معرفی می-شوند؛ آخوند به جای روضه خوانی رهبر، قاضی، قانون گذار، زندان بان، تروریست و جاسوس است؛ کارگرانی که همه نعمات جامعه را تولید می-کنند خود محکوم به فقر و گرسنگی هستند؛ هیچ حق و حقوقی برای زنان به عنوان انسان مستقل به رسمیت نمی شناسند؛ میلیون ها کودک، به جای این که راهی مدرسه شوند باید در کارگاه های غیربهداشتی به کارهای سخت وادار شوند؛ مادران و پدران، باید هرلحظه نگران فرزندان خود باشند که آیا به خانه برمی-گردند؛ کم نیستند جوانانی که به جای این که شغلی داشته باشند در مقابل درمانگاه های کلیه فروشی صف می کشند تا پولداری کلیه سالم او را بخرد و با پولی که از این طریق به دست می آورد چند صبحی زندگی کند.

در کشوری که حتا کوچک ترین نیازهای اولیه جامعه از لباس تا کفش، گندم تا دارو، از دستگاه کوچک الکترونیکی تا دستگاه های عظیم صنایع را از خارج وارد می کند؛ در حالی که تورم و گرانی کمرشکن است و بی کاری غوغا می کند بی شک هنگامی که با محاصره اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اورپا و تحریم های یک طرفه

دولت های پیشرفته صنعتی روبرو می شود در بحران های اقتصادی شدیدتری گرفتار می گردد. اما احمدی نژاد آن را «پیروزی بزرگی» برای دولت خود می داند و بی شرمانه و غیرمسئولانه تأکید می کند: «اقتصاد ایران بسیار خوب» است. هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل می گوید این تحریم ها برای این اعمال می شود که حکومت اسلامی دست از غنی سازی اورانیوم بردارد در مقابل مقامات حکومت اسلامی، ادعا می کنند که تعداد نیروگاه های اتمی را افزایش داده و به غنی سازی اورانیوم ادامه خواهند کرد؛ یا هنگامی که مردم غزه سال هاست در محاصره اقتصادی دولت اشغالگر اسرائیل قرار دارد و نیروهای انسان دوست سعی می کنند این محاصره را با رساندن کمک های مردمی بشکنند سران حکومت اسلامی اعلام می کنند کشتی های کمک رسانی را با اسکورت سپاه پاسداران به غزه می فرستیم و مسافران این کشتی ها هم نه امدادگران مردمی، بلکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند عملاً ضربه به مردم غزه ضربه می زند و توجیه مناسب و محکومه پسندی نیز به دست دولت اسرائیل می دهد، یک ماجراجویی سیاسی جنگ طالبانه معنی دیرگی ندارد. بعلاوه در این سه دهه گذشته، حکومت اسلامی همواره حامی حزب الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین بوده است. چنین ادعاهائی هر چند که دروغی بیش نیستند اما در عرصه دیپلماتیک سؤال برانگیز و تحریک آمیز محسوب می شوند. شاید هدف سران حکومت اسلامی از این ماجراجویی های سیاسی، به وجود آوردن یک بحران جدید در منطقه است تا افکار عمومی جامعه ایران و جهان را به یک مساله خارجی بکشاند تا بلکه بر واقعیت های سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و به ویژه جنایاتش سرپوش بگذارد.

در کشوری که بحران سیاسی سراسر آن را فراگرفته است و محاصره اقتصادی نیز بحران های اقتصادی حکومت اسلامی را دوچندان می کند، سرمایه احساس خطر کرده و از کشور فرار می کند. اصولاً سرمایه به جایی سرازیر می شود که از امنیت کافی برخوردار گردد و نیروی کار هم ارزان باشد. به همین دلایل سرمایه- های خودی و غیرخودی در این سال ها از ایران فرار کرده اند. عدم اشتغال کافی و ورشکستگی صنایع و بی کارسازی های گسترده کارگران، فقر و فلاکت و گرانی روزافزونی را بر اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است.

در این میان، دولت برای این که ماشین دولتی را حفظ کند همواره تلاش کرده است صنایع مادر کشور را به شرکت های وابسته به سپاه پاسداران واگذار کند. سپاه که نه تجربه مدیریت اقتصادی دارد و نه دسترسی به صنایع پیشرفته غرب، در واقع عاملی است که صنایع کشور یکی پس از دیگری ورشکست گردند. در این میان، تنها هنر سپاه این است که هرگونه اعتراض کارگری و خیزش مردمی را به وحشیانه ترین شکلی سرکوب کند و دولت را با زور سرنیزه سر پا نگاه دارد. دولت احمدی نژاد که تنها با حمایت رهبر و سپاه و به ویژه سرکوب های شدید اعتراضات میلیونی مردم توسط سپاه، به بقای نکبت بار خود ادامه می دهد طبیعی است که بخش بزرگ دیگری از صنایع نفت و گاز کشور را به سپاه واگذار نماید.

دولت احمدی نژاد، بحران سیاسی و اقتصادی و بی حقوقی های زیادی را بر مردم ایران تحمیل کرده است همواره صنایع کشور را به سپاه واگذار می کند تا وحشیانه تر از گذشته کارگران و مردم معترض را به خاک و خون بکشند. قدرت و پول برایشان همه چیز است و انسانیت هیچ چیز! در چنین موقعیتی اکثریت مردم ایران، در رنج و عذاب و کابوس زندگی می کنند و هیچ امیدی به بهتر شدن وضعیت خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند.

پدر «صبا»، یکی از ده ها هزار انسانی است که کلیه اش را فروخته تا خرج درمان دخترش کند. به گزارش خبرنگار ایسنا از شیراز، دختری که در فاصله ای کوتاه، از حیاتی طبیعی به مرحله ای سخت از زندگی پا گذاشت... زیباست، با آن چشم هایی که دیگر فروغی ندارد، لبخندهای کودکانه زیباترین هم می کند، چه سخت است

برای مادری که دیروز در لباس مدرسه شانه بر موهای دلبندهش می زد و امروز بر تخت بیماری، موهایش را گیس می کند.

مادر صبا، می گوید: «اگر بیمار نشده بود، حالا باید قبولی کلاس دوم دبستان را برایش جشن می گرفتیم باید صدای زیبایش را وقتی گنجشك اشی مشی می خواند در میان دیوارهای خانه می شنیدیم، اما امروز صدای دیوانه کننده مكش دستگاه ساكشن و صدای ریز تنفس های خش دارش را می شنویم...»

پدر صبا، می گوید: «به همه جا رفته ام، وزیرای بهداشت و رفاه، معاونانشان، رییس دانشگاه پزشکی شیراز و رییس بیمارستان نمازی، سازمان نظام پزشکی و ... اما هیچ کس نمی شنود، همه به ظاهر همدردی می کنند، اما در عمل، هیچ، دریغ از يك عذرخواهی.»

می گوید: «مگر می شود، كودك من تا ساعت شش صبح که مادرش کنارش بود، آرام به حرف های او گوش می داد... ساعتی بعد هم، جسم ناتوان دخترم را که این گونه معصوم بی پناه نیازمند دست لطف دیگران شده است، به ما تحویل دادند، واگذارشان به خدایی که همه چیز را می داند.»

پدر صبا، در حالی که دستش را روی پهلوی چپش گذاشته می گوید: «دیگر چیزی برای فروش نداشتیم، همه زندگی مان را برای صبا هزینه کرده ایم، مجبور شدم کلیه ام را بفروشم تا شاید بخش بسیار کوچکی از هزینه ها را تامین کنم.» به گزارش ایسنا، او کلیه اش را به چهار میلیون تومان فروخته و با رضایت می گوید: «اگر لازم باشد همه اندامم را خواهم فروخت اما هزینه های صبا را تا زنده ام تامین خواهم کرد، مطمئناً گدایی پول نکرده و نمی کنم، اما من و صبا ایرانی هستیم و در این مملکت حقوقی داریم.»

اما قصه غم انگیز صبا و خانواده اش، قصه واقعی بسیاری از خانواده های ایرانی به ویژه کارگران و مردم محروم است. دختری که احتمالاً به دلیل بی توجهی پزشکان و پرستاران معالج که در اثر فشار کار طاقت فرسا و استرس کار می کنند و با کمبودهای پزشکی نیز روبرو هستند قدم در راهی گذاشته که هم چون شمعی ذره ذره ذوب می شود.

اما عامل آن سه چهار میلیون کودکی که در سال تحصیلی جاری نتوانستند به تحصیل ادامه دهند چه کسی مسئول است؟ یک میلیون و نیم کودک کار که در کارگاه های غیربهداشتی به کارهای خطرناک مشغولند چه کسی مسئول است؟ ده ها هزار کودکی که در خیابان ها به سر می برند و طعمه حاضر و آماده باندهای مافیائی هستند چه کسی مسئول است؟ میلیون ها جوانی که با هزاران بدبختی و تحمل سختی های زیاد خود و خانواده شان درس خوانده اما شغلی پیدا نمی کنند چه کسی مسئول است؟ میلیون انسانی که معتاد شده اند چه کسی مسئول است؟ صدها هزار دختر و زن و پسر که برای تأمین زندگی خود تن فروشی می کنند چه کسی مسئول است؟ سالیانه ده ها هزار انسان در تصادفات جاده ای و یا محیط کار جان می سپارند چه کسی مسئول است؟ میلیون ها زنی که در خیابان ها و اماکن عمومی به بهانه «بدحجابی» مورد تحقیر و توهین قرار می گیرند چه کسی مسئول است؟ میلیون ها زن خانه دار که در کنج خانه محبوس شده اند چه کسی مسئول است؟ بیش از یک میلیون انسانی که در طول سال گذرش به دادگاه ها و زندان ها می افتد چه کسی مسئول است؟ و...

زندگی در این شرایط سخت، تقدیر هیچ کس نیست و شایسته هیچ انسانی هم نیست. راه حل فردی و خانوادگی نیز ندارد. راه حل آن جمعی و مبارزه جمعی برای به دست آوردن حقوق پایمال شده و سرکوب شده است. راه حلی که سال گذشته در راه پیمائی های میلیونی علیه حکومت اسلامی در مقابل جامعه گذاشته شد. هر روزی که حکومت

اسلامی بر سر قدرت است میلیون ها شهروند ایرانی، گرسنه سر به بالین نهاده؛ هزاران نفر تهدید و دستگیر و زندانی شده و شکنجه و اعدام می گردند؛ دست به خودکشی می زنند؛ دچار بیماری های روحی و روانی شده و دست به خودکشی می زنند؛ مورد تجاوز قرار می گیرند و میلیون ها مزدبگیر از کله سحر تا شب کار می کنند و آخر شب خسته و کوفته و شرمند به نزد فرزندان خود برمی گردند. میلیون ها کارگر بی کارند و شبانه روز شرمند فرزندان هستند که به جای مدرسه راهی کارگاه ها می شوند؛ ده ها هزار کودک بر سر چهارراه ها گل فروشی و یا شیشه ماشین ها را تمیز می کنند تا کمک ناچیزی به خانواده خود برسانند. این وضعیت شایسته هیچ انسان و هیچ جامعه ای نیست. راه حل تغیر آن است و این تغیر نیز بدون مبارزه جمعی در جهت مبارزه بر علیه سیستم سرمایه داری و برکناری حکومت اسلامی میسر نمی باشد!

در حقیقت بسیاری از آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی چون فحشاء، سرقت، اعتیاد و... معلول هستند نه علت و اصلی ترین علت آن ها فقر عمومی فزاینده مردم در اثر انباشت مال و ثروت توسط سرمایه داران و برنامه ریزی های نابرابر و غیر عادلانه دولت و هم چنین دزدی ها و غارت های اموال دولتی توسط مقامات حکومت اسلامی و نزدیکان آن هاست. سه دهه است که اصطلاح «آقازاده ها» در جامعه ایران مرسوم شده است. آقازاده هایی که دست به سیاه و سفید نمی زنند اما آخرین مدل ماشین ها را زیر پایشان دارند؛ در ویلاها و آپارتمان های آن چنانی زندگی می کنند؛ صاحب کارخانه و شرکت در داخل و خارج کشور هستند؛ پول شان از پارو بالا می رود. گفته می شود به بهانه خصوصی سازی کارخانه ها و وام های کلان به نزدیکان حکومتیان پرداخت می شود به طوری که اخیرا رسما اعلام کرده اند حدود هزار نفر از بانک ها با توصیه مقامات حکومت پول گرفته اند اما اکنون این وام خود را به بانک ها بر نمی گردانند بانک ها را دچار بحران و اخلاص شده اند. پارتی بازی ها و اعمال قدرت و دزدی ها در حکومت اسلامی حد و مرزی ندارد.

در این میان در گزارشات رسمی رسانه ها و حتی آمارهای دولتی آمده است ۱۹ میلیارد دلار کالای قاچاقی که وارد ایران می شود و بسیاری از آن هم از کانال های رسمی دولتی وارد می شود به کجا می رود؟ آیا همین ارگان های دولتی و مقامات و مسئولین آن چون قاچاقچیان و رشوه گیران و فاسدان اقتصادی و گروه های مافیائی عمل نمی کنند؟ آیا این ها عامل اصلی آسیب های اجتماعی و ناهنجاری های اجتماعی و فقر که عامل اصلی همه این بدبختی هاست، نیستند؟

چگونه است دولتی که در خیابان ها مامورانش مثلا زنی را که چند تار مویش از روسری بیرون است مورد بازجویی و تحقیر و توهین قرار می دهند و برای آن ها پرونده های «فساد» می سازند اما این همه اجناس قاچاقی که وارد کشور می شود و در سراسر کشور توزیع می گردد از چشم آنان دور می ماند؟

نبی الله حیدری، رئیس پلیس فرودگاه های کشور، گفته است: طی ۸۲ روز اول سال جاری به ۸۷ هزار و ۷۱۴ زن در فرودگاه های کشور به دلیل پوشش تذکر داده شده است. ۳۳ هزار و ۲۹ زن تنها پس از تعویض لباس اجازه یافته اند به سفر خود ادامه دهند و از ۳ هزار و ۵۰۶ زن تعهد گرفته شده است. هم چنین از ورود زن هایی که از نظر حراست فرودگاه ها پوشش مناسب نداشته و برای استقبال از مسافری آمده بودند، جلوگیری به عمل آمده و برای ۷۱ زن پرونده قضائی تشکیل شده است.

دوشنبه، ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰، سران ۲۷ دولت اروپا تصمیم گرفتند، تحریم های شدیدتری علیه ایران اعمال کنند.

یک روز پیش از آن، دولت امریکا نیز در اقدامی یک جانبه فرماندهان سپاه و بسیج، وزیر دفاع و برخی شرکت های اقتصادی را به فهرست تحریم های خود افزوده بود. قبل از این ها هم دولت های اسپانیا و استرالیا و اخیرا نیز کره جنوبی و ژاپن، تحریم های یک جانبه ای را علیه ایران اعمال کرده اند. محمود احمدی نژاد، در عکس العمل به این تحریم های اقتصادی